

کتاب دانیال — شماره هشتاد و چهار

آشکار ساختن چهار نسل از ادونتیسیم لائودیکیه‌ای: سفری در بستر موازات
کتاب مقدسی و آزمون نبوتی

Jeff Pippenger

2024-02-17

حقیقت بر گواهی دو یا سه شاهد استوار می‌گردد، و تطبیق چهار رجاسات باب هشتم حزقیال بر چهار نسل ادونتیسیم لائودیکیه‌ای، چندین شاهد دارد. در مقالات پیشین بیان شد که هفت کلیسای مذکور در باب‌های دوم و سوم مکاشفه نه تنها تاریخ اسرائیل جدید را از زمان رسولان تا پایان جهان نمایندگی می‌کردند، بلکه همین هفت کلیسا تاریخ اسرائیل باستان را نیز از زمان موسی تا زمان مسیح نمایندگی می‌نمودند.

کلیسای اِفسُس هم نمایانگر کلیسای نخستین مسیحی بود، و هم اسرائیل باستان از زمان موسی تا دوران داوران. کلیسای اسمیرنا نمایانگر دوره جفا از زمان شاگردان تا امپراتور روم، کنستانتین، بود، و نیز دوره داوران را نمایندگی می‌کرد، هنگامی که هر کس آنچه را در نظر خویش درست می‌نمود انجام می‌داد. کلیسای پرغامس نمایانگر دوره مصالحه از زمان کنستانتین تا استقرار پاپیت در سال ۵۳۸ بود، و نیز دوره‌ای را که اسرائیل باستان خدا را رد کرد و پادشاهی برای خود برگزید، و پیوسته با پادشاهی‌های بت‌پرستی که در احاطه آن بودند سازش می‌کرد. کلیسای چهارم، طیاتیرا، که با ایزابل نمایانده شده است، دوره حاکمیت پاپی از سال ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ است، و نیز اسارت هفتادساله اسرائیل باستان در بابل را نمایندگی می‌کند.

آن چهار کلیسا همچنین نمایانگر چهار نسل ادونتیسیم هستند و گواهی‌ای برای اعمال چهار مکروه حزقیال بر آن چهار نسل فراهم می‌آورند. شورش سال 1863، با نسل نخست اسرائیل باستان بازنمایی شد، چنان‌که در شورش گوساله زرین هارون به تصویر کشیده شده است. نسل نخست شامل اندرز داده‌شده به کلیسای اِفسُس است، که مشخص می‌سازد قوم خدا محبت نخستین خود را ترک کرده بودند و نیاز داشتند توبه کنند و به محبت نخستین خویش بازگردند. در سال 1863، محبت نخستین، آن‌گونه که با جواهرات ویلیام میلر بازنمایی می‌شود (حقایق بنیادین، به‌ویژه «هفت زمان»)، کنار نهاده شد، و به قوم خدا اندرز داده شد که بازگردند.

اما این را بر تو دارم که محبت نخستین خود را ترک کرده‌ای. پس به یاد آور که از کجا سقوط کرده‌ای، و توبه کن، و اعمال نخستین را به‌جا آور؛ وگرنه به‌زودی نزد تو خواهم آمد و چراغدانان را از جای خود برخواهم داشت، اگر توبه نکنی. مکاشفه ۲:۴، ۵.

میلری‌ها با پروتستانیسم مرتد، که ارمیا آن را «مجمع استهزاکنندگان» نامید، در کشاکش بودند و با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا ماندند، زیرا هنگامی که آن فرا می‌رسید، دروغ نمی‌گفت. «مجمع استهزاکنندگان» به‌واسطه آن نبی پیر که به نبی یهودا دروغ گفت، تمثیل یافته بود؛ همان نبی یهودا که نکوهش را بر پرستش جعلی یربعام اعلام کرده بود.

میں تیرے اعمال، اور تیری محنت، اور تیرے صبر کو جانتا ہوں، اور یہ بھی کہ تو بدکاروں کو برداشت نہیں کر سکتا؛ اور تو نے انہیں آزما لیا جو اپنے آپ کو رسول کہتے ہیں اور ہیں نہیں، اور تو نے انہیں جھوٹا پایا؛ اور تو نے برداشت کیا، اور صبر کیا، اور میرے نام کی خاطر محنت کی، اور ہمت نہیں ہاری۔ مکاشفہ 2:2، 3.

کلیسای دوم، یعنی اسمیرنا، نمایانگر دوران جفا در کلیسای نخستین مسیحی بود؛ دورانی که از شهیدان حقیقی و نیز برخی کسان که به انگیزه‌هایی کمتر از مقدس، جفا را بر خود آوردند، تشکیل می‌شد. همچنین نمایانگر زمان داوران بود، هنگامی که هر کس در اسرائیل باستان هر آنچه را در نظر خودش درست می‌نمود، انجام می‌داد. نسل عصیانی که در سال 1888 آغاز شد، دوره‌ای از جفا بر ضد روح نبوت، پیام‌آوران برگزیده آن ساعت، و روح‌القدس را مشخص ساخت. این امر دوره‌ای را پدید آورد که در آن مردان کهن ادونتیسیم لائودیکیه‌ای برگزیدند هر آنچه را در نظر خودشان درست می‌نمود انجام دهند، چنان که در مردانی چون Daniells و Kellogg، Prescott مشاهده می‌شود.

آن عهد میں وہ وفادار قلیل جماعت ایک ایسے طبقہ کے ساتھ مہلک روحانی معرکہ میں تھی جو اپنے آپ کو یہودی کہتا تھا، مگر تھا نہیں۔ قیادت کے مناصب پر فائز ہونے کے باوجود، وہ شیطان کی عبادت گاہ سے تھے، جیسا کہ سسٹر وائٹ کی اس شہادت سے ظاہر ہے کہ بعض لوگ "ان فرشتوں کی ہدایت میں تھے جو آسمان سے نکال دیے گئے تھے۔" وہ اپنے آپ کو دانا سمجھتے تھے، لیکن بے وقوف تھے۔ اُس زمانہ میں داناؤں پر کوئی ملامت نہیں رکھی گئی، بلکہ موت تک وفادار رہنے کی ترغیب دی گئی۔ 1915 میں، سسٹر وائٹ کے آخری الفاظ یہ تھے: "میں جانتی ہوں کہ میں کس پر ایمان لائی ہوں،" کیونکہ وہ موت تک وفادار رہی تھیں۔

من اعمال تو، و تنگی، و فقر تو آگاہم، (لیکن تو دولتمندی) اور میں اُن کی کفرگوئی کو بھی جانتا ہوں جو کہتے ہیں کہ ہم یہودی ہیں، حالانکہ نہیں ہیں، بلکہ شیطان کی عبادت گاہ ہیں۔ اُن باتوں سے ہرگز نہ ڈر جو تجھے سہنی پڑیں گی: دیکھ، ابلیس تم میں سے بعض کو قید میں ڈالے گا تاکہ تمہاری آزمائش ہو؛ اور تم دس دن تک مصیبت اٹھاؤ گے: موت تک وفادار رہ، اور میں تجھے زندگی کا تاج دوں گا۔ مکاشفہ 2:9، 10۔

کلیسای پرغامس نمایانگر سازش میان حقیقت و خطا، میان بت‌پرستی و مسیحیت، در زمان امپراتور کنستانتین بود، و نیز نمایانگر سازش اسرائیل باستان که در دوران تاریخ پادشاهان رخ داد. این کلیسا نمایانگر آمیختگی حقیقت و خطا بود، آمیختگی‌ای که تنها می‌تواند خطا پدید آورد. این امر در کنفرانس کتاب مقدس سال ۱۹۱۹ نمایان شد، جایی که انتشار کتاب «تعلیم مسیح» موجب شد تا پیامی ادونتستی پدید آید که به گونه‌ای نزدیک‌تر نماینده انجیل کاذب پروتستانیسم مرتد باشد. این در نسل سوم ادونتیسیم بود که مصالحه‌های بزرگ با حقیقت روی داد.

در آن نسل، از سال ۱۹۱۹ آغاز شد که کلیسا مصالحه‌ای را آغاز کرد که به پدید آمدن کتابچه راهنمای کلیسا انجامید. در آن نسل، از سال ۱۹۱۹ آغاز شد که کلیسا مصالحه‌ای را آغاز کرد که مستلزم اخذ اعتبارنامه برای هر دو حوزه مدارس بهداشت و دین بود. در آن نسل بود که گرایش به سوی ترجمه‌های نوین کتاب مقدس مبتنی بر کاتولیک‌گرایی آغاز شد. در همان تاریخ بود که آمادگی رهبری برای برقراری روابط با حکومت‌هایی که آشکارا ضد مسیحیت بودند، پدیدار گردید.

آن رویه در نوزادی خود در دوران جنگ داخلی پدید آمده بود؛ آنگاه که رهبری لائودیکیه، به منظور آنکه برای جوانان کلیسا که قرار بود به مرگبارترین جنگ تاریخ آمریکا فراخوانده شوند، نتیجه‌ای بهتر حاصل شود، با حکومت ایالات متحده رابطه‌ای حقوقی برقرار کرد. همان رویه در آغاز جنگ جهانی اول نیز تکرار شد؛ زمانی که رئیس کنفرانس عمومی، A. G. Daniells، با دولت آلمان وارد تعامل شد و موافقت خود را با این امر اعلام کرد که آلمان جوانان را به خدمت نظامی فراخواند و به اجبار به خدمت وارد، و آنان سلاح بگیرند، و سبت را نادیده بگیرند. آن اقدام Daniells موجب جدایی‌ای شد که شاخه‌های گوناگون منشعب جنبش اصلاحی ادونتیسیم‌های روز هفتم را پدید آورد؛ شاخه‌هایی که تا به امروز نیز وجود دارند.

یہ سمجھوتا ہٹلر کے نازی جرمنی کے ساتھ بھی جاری رہا، اور اس کے بعد اُن اقوام کے ساتھ بھی جو سوویت یونین پر مشتمل تھیں، اور آج بھی چین جیسے نظاموں میں برقرار ہے۔ ریاستی سیاست کے ساتھ اپنے تعلق میں تیسری نسل کے اس سمجھوتے کی مثال قدیم اسرائیل کے بادشاہوں اور قسطنطین کے سمجھوتے سے پہلے ہی دی جا چکی تھی، جیسا کہ کلیسیائے پراگماتس میں اس کی علامتی تصویر پیش کی گئی ہے۔ یہ دور اُس کی کلیسیائی سیاست کے اُس جھوٹے امن و سلامتی کی انجیل کے ساتھ سمجھوتے کی بھی نمائندگی کرتا تھا، جس کی نمائندگی پریسکاٹ کی "Christ Doctrine of Christ" کرتی ہے۔

میں تیرے اعمال کو جانتا ہوں اور یہ بھی کہ تو کہاں بستائے، یعنی وہاں جہاں شیطان کا تخت ہے؛ اور تو میرے نام کو مضبوطی سے تھامے ہوئے ہے، اور تو نے میرے ایمان کا انکار نہیں کیا، یہاں تک کہ اُن دنوں میں بھی جب آتپاس، میرا وفادار شہید، تمہارے درمیان قتل کیا گیا، جہاں شیطان بستائے۔ لیکن مجھے تجھ سے چند باتوں کا شکوہ ہے، کیونکہ وہاں تیرے ہاں ایسے لوگ ہیں جو بلعام کی تعلیم پر قائم ہیں، جس نے بالاق کو یہ سکھایا کہ بنی اسرائیل کے سامنے ٹھوکر کا باعث رکھے، تاکہ وہ بتوں کی قربانیوں میں سے کھائیں اور حرام کاری کریں۔ مکاشفہ 2:13، 14۔

زنا، کار کنفرانس عمومی را در همسو ساختن خویش با ملت‌هایی چون آلمان نازی و اتحاد شوروی، تحت این بہانہ کہ باید روابط کاری لازم را با حکومت‌های فاسد حفظ کنند، مشخص می‌سازد؛ حال آن‌کہ بہ ایمانداران وفادار آن ملت‌ها کہ از سوی رژیم‌های گوناگونی کہ ایشان با آن‌ها پیوستہ بودند دچار جفا شدند، اعتنایی نکردند۔ خوراک تقدیم‌شدہ بہ بت‌ها، نمایانگر روش‌شناسی کاذب پروتستانتیسم مرتد و کاتولیسیم بود کہ در آن زمان بہ طور استوار در دانشگاه‌های ادونتیسیم لائودیکی استقرار یافته بود؛ ادونتیسیمی کہ پذیرفته بود، ہم در دین و ہم در سلامت، بر اساس رہنمودهای روش‌شناسی‌های مرتد اداره شود۔

عیسی پایان نسل سوم را همان‌گونه کہ آغاز آن را نشان داد، بہ تصویر کشید؛ زیرا او آمدن نسل چہارم را با انتشار کتاب Questions on Doctrine، کہ در سال 1957 منتشر شد، مشخص ساخت؛ کتابی کہ تمایز بنیادین نجات را کہ میان حقیقت و اندیشہ‌های باطل پروتستانتیسم مرتد و کاتولیسیم وجود دارد، بہ طور کامل مردود شمرد۔ این کتاب البتہ مشتمل بر چندین تعلیم نادرست است، اما در اساس تعلیم می‌دهد کہ زیستن پیروزمندانہ در مسیح ناممکن است، مگر آن‌کہ شخص در آمدن دوم، بہ گونه‌ای معجزہ‌آسا دگرگون شود۔ این کتاب سرآغاز نسلی را رقم زد کہ در آن بیست و پنج مرد کهن می‌بایست در برابر خورشید سر فرود آورند۔ عناصر سیاسی و مذہبی لازم برای آن کہ کلیسای ادونتیسیت لائودیکہ بتواند پرستش یکشنبہ را در قانون یکشنبہ‌ای کہ بہ زودی خواهد آمد بپذیرد، فراہم شدہ بود۔

چہارمین رجاست حزقیال در آن ہنگام رخ می‌دهد کہ اندک وفاداران در باب نهم مہری بر پیشانی‌های خود دریافت می‌کنند، درست پیش از آن کہ فرشتگان ہلاک‌کنندہ کار خود را آغاز نمایند۔ رؤیا در آیہ یک باب ہشتم، در روز پنجم ماہ ششم سال ششم آغاز می‌شود۔ این رؤیا یک روز پیش از اجرای داوری بر کسانی آغاز می‌شود کہ در برابر خورشید سجدہ می‌کنند، کہ همان نشان اقتدار پاپی است، و عدد نام او «666» است۔

کار مہر کردن یکصد و چہل و چہار ہزار تن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با حملہ‌ای بر وحش زمین کہ بہ وسیلہٴ وای سوم اسلام انجام شد، آغاز گردید۔ آن حملہ ملت‌ها را خشمگین ساخت و رسیدن باران آخر را نشان‌دار کرد۔ اما باران آخر تنها از سوی کسانی شناختہ می‌شد کہ بہ بنیادہای ادونتیسیم بازگردانیدہ می‌شدند تا ببینند کہ سہ وای اسلام حقیقتی بنیادی است۔ در آن مقطع از زمان، کسانی کہ بہ راہ‌های کهن بازگردانیدہ می‌شدند، کہ ارمیا آن را «آرامی» می‌نامد (کہ همان باران آخر است)، یا دیدبانانی

می‌شدند که کرنای وای سوم را می‌نواختند، یا از کسانی بودند که از شنیدن صدای کرنا سر باز می‌زدند، و بدین‌سان از گام نهادن در راه‌های کهن امتناع می‌ورزیدند.

هغوی بیا د خپل پلار د ۱۸۶۳ کال د بغاوت د گناه په وسیله وازمویل شول. په عین هماغه وخت کې، د مسیح د صداقت یو پیغام راوړسېد، چې هغه «په رښتیا سره د ایمان له لارې برحق گڼل کېدل» دي. دا د جونز او واگنر لائودیکیه‌يي پیغام و، او همدا د حزقیال هغه پیغام و چې مړو وچو هډوکو ته د «څلورو بادونو» له لوري راغی؛ هماغه «څلور بادونه» چې د درېیم وای اسلام ته رمز دي (هغه «غوسه‌ناک آس» چې د خلاصون هڅه کوي). بیا هماغه وفادار لږ شمېر کسان د خپل پلار د ۱۸۸۸ کال د بغاوت د گناه په وسیله وازمویل شول، هغه مهال چې د مکاشفې اتلسم فصل څواکمنه فرېښته راکوزه شوه، کله چې د نیویارک ښار لویې ودانۍ ونړول شوې، او د مکاشفې اتلسم فصل د لومړي تر درېیم آیت پورې پوره شول.

سپس آنان با تشخیص پیام باران آخر آزموده شدند. آیا باران آخر تجلّی قدرت خدا همانند اعصار گذشته بود، یا آنکه تجلیات قدرت خدا تنها به گذشته تعلق داشت؟ آن اندک وفادار سپس به واسطه شورش شورش پدران خویش در سال ۱۹۱۹ آزموده شدند. اینکه آن اندک وفادار چگونه از میان آن سه آزمون عبور کنند، تعیین می‌کند که آیا مهر خدا را بر پیشانی‌های خود دریافت خواهند کرد، یا خود را در حال سجد به خورشید همراه با بیست و پنج پیر ادونتیسیم لائودیکیه‌ای خواهند یافت.

تمامی شورش‌های چهار نسل از ادونتیسیم لائودیکیه‌ای، همتای خود را در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ می‌یابند. آن تاریخ، که اشعیا آن را «روز باد شرقی» معرفی کرده است، آغاز زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را نشان می‌دهد، و زمان مهر شدن دوره‌ای از زمان است. پایان این دوره به واسطه آغاز آن به تصویر کشیده شده است، زیرا عیسی همواره پایان یک چیز را با آغاز آن چیز به تصویر می‌کشد. در حرکات نهایی فرایند مهر شدن، آزمون‌هایی که در آغاز این دوره نمادپردازی شده بودند، بار دیگر تکرار می‌شوند.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آزمون‌هایی که شورشیان ادونتیسیم لائودیکیه‌ای—چنان‌که به واسطه چهار رجاست حزقیال، و نیز چهار کلیسای نخست مکاشفه، باب‌های دو و سه، نمایان شده‌اند—در آن‌ها مردود شدند، فرا رسید؛ و این، آغاز فرایند امتحانی‌ای را رقم زد که برای آنان که اقرار می‌کنند از ادونتیسیم‌های روز هفتم‌اند، یا به نشان وحش می‌انجامد، یا به مهر خدا.

رهبری ادونتیسیم لائودیکیه‌ای به ریسمان‌های فریب‌های خود گرفتار شده است، و برای ایشان عملاً ناممکن است که «بازشناسند» تکرار ظهور قدرت خدا را، آن‌گونه که در جنبش‌های اصلاحی پیشین، از جمله جنبش اصلاحی‌ای که ادونتیسیم را به وجود آورد، نمایان گردید. مردان کهن، تعالیمی را که با جواهرات میلر نمایانده شده‌اند، با سکه‌ها و جواهرات تقلبی پراکنده و مستور ساختند. صندوقه کتاب مقدس کینگ جیمز به دوران زبان کهنه و منسوخ تنزل داده شده و با کتاب مقدس‌های زبان معاصر جایگزین گشته است که با اصطلاحات مرد گناه بیان شده‌اند.

اگر مردان قدیم حاضر می‌بودند امکان این را در نظر گیرند که پیام باران آخر، پیام صلح و امنیت نیست، برای آنان تقریباً محال می‌بود که تشخیص دهند تجلیات قدرت خدا در تاریخ‌های مقدس گذشته همان چیزی است که به‌طور مشخص مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار را معرفی می‌کند. دشوارتر از آن برای ایشان این است که تشخیص دهند تاریخ‌های مقدسی که به‌مستقیم‌ترین وجه مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار را معرفی می‌کنند، همان تاریخ‌های مقدسی هستند که ملاکی باب سه را به انجام می‌رسانند؛ زیرا ملاکی باب سه مقرر می‌دارد که همواره قاصدی هست که راه را برای آمدن ناگهانی رسول عهد مهیا می‌سازد. آن قاصد به‌وسیله نبی، ایلیا، تمثیل یافته بود؛ همان که با دلاوری اعلام کرد که در تاریخ او بارانی نخواهد بود، مگر آنکه از طریق خدمت او بیاید.

بزرگان هفتادگان حزقیال، این را مضحک می‌یافتند که بپذیرند ادعایشان مبنی بر اینکه هیکل خداوند هستند، بی‌اساس بوده است؛ و اینکه در واقع، این ادعا نمایانگر ادعای قومی بود که از ایشان عبور می‌شد، همان‌گونه که تاکستان به کسانی داده شد که میوه‌های شایسته تاکستان را به بار می‌آورند. پیام وای سوم، آن رسولی که راه را مهیا می‌سازد، سرود تاکستان، همگی بر ضد سنن و آدابی شهادت می‌دهند که ایشان اعتماد خود را بر آنها نهاده بودند، و مانعی تقریباً غیرقابل‌غلبه برای شناختن باران آخر به شمار می‌آیند.

نتیجه ختم یکصد و چهل و چهار هزار نفر، همان آزمون‌ها را برای کسانی آشکار می‌سازد که مدعی بوده‌اند نقش اسلام وای سوم را «تشخیص» داده‌اند. «افزایش معرفت» که جنبش میلری‌ها را آغاز کرد، در پایان «هفت زمان» در سال 1798 شروع شد. «افزایش معرفت» که جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر را آغاز کرد، در پایان یک «هفت زمان» نمادین (یکصد و بیست و شش سال) در سال 1989 آغاز شد. در طی آن یکصد و بیست و شش سال ارتداد فزاینده، ادونتیسیم لاودیکیه‌ای به نسل چهارم و نهایی خود رسیده است.

در نسل سوم و چهارم است که یک قوم یا ملت پیاله زمان آزمایش خویش را پر می‌کنند، و اکنون آن زمان فرا رسیده است. «افزایش معرفت» مذکور در کتاب دانیال که به وسیله نهر حداقل نمود یافته است، همان معرفتی نیز هست که هنگامی فزونی می‌یابد که مکاشفه عیسی مسیح اندکی پیش از بسته شدن مهلت آزمایش گشوده می‌شود.

در نوشتار بعدی، به سه فصل پایانی کتاب دانیال خواهیم پرداخت.

«روزها به سرعت نزدیک می‌شوند که در آن‌ها سرگشتگی و آشفتگی عظیمی پدید خواهد آمد. شیطان، در حالی که جامه‌های فرشتگان را بر تن کرده است، اگر ممکن باشد، برگزیدگان را نیز فریب خواهد داد. خدایان بسیار و خداوندگاران بسیار خواهند بود. هر باد تعلیمی خواهد وزید. آنان که به «علمی که کاذبانه بدان نام علم داده‌اند» نهایت تکریم را روا داشته‌اند، در آن زمان رهبران نخواهند بود. آنان که بر عقل، نبوغ، یا استعداد توکل کرده‌اند، آن‌گاه در رأس صفوف نخواهند ایستاد. ایشان همگام با نور پیش نرفتند. آنان که خود را بی‌وفا ثابت کرده‌اند، در آن زمان گله به ایشان سپرده نخواهد شد. در آخرین کار خطیر و جدی، مردان بزرگ اندکی درگیر خواهند بود. آنان خودکفا هستند، مستقل از خدا، و او نمی‌تواند از ایشان استفاده کند. خداوند خدمتگزاران امینی دارد که در زمان تکان و آزمون، آشکار خواهند شد. اکنون نفوس گران‌بهای در خفا هستند که زانوی خود را نزد بعل خم نکرده‌اند. ایشان نوری را که با درخششی متمرکز بر شما تابیده است، نداشته‌اند. اما ممکن است زیر ظاهری خشن و نامطبوع، درخشش پاک یک منش اصیل مسیحی آشکار شود. در روز، به سوی آسمان می‌نگریم، اما ستارگان را نمی‌بینیم. آن‌ها در آنجا هستند، استوار در فلک، اما چشم قادر به تشخیص آن‌ها نیست. در شب، فروغ حقیقی آن‌ها را مشاهده می‌کنیم.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۸۰، ۸۱.